

ولادت حضرت عیسی مسیح را تبریک می‌گوییم
روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
تهران ۴۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها و واحدهای
دانشگاهی ۵۰۰۰ تومان

شماره مسلسل ۳۹۵۴
پنجمینیه ۴ دی ۱۳۹۹
۹ جمادی‌اول ۱۴۴۲
۲۴ دسامبر ۲۰۲۰
شماره ۳۲۱۶

www.Fd... 20 | vol.12 | No. 3216 | 16 Pages

«فرهیختگان» بررسی می‌کند

اصلاحات سوال برانگیز مجلس به قانون انتخابات

مستند «غیر رسمی» که روایت جلسات پنجشنبه‌های رهبر انقلاب با افراد مختلف است، نکات جالبی دارد

تریبون آزاد پنجشنبه‌ها

فریبی

۱۳، ۱۲

www.Fd... 20 | vol.12 | No. 3216 | 16 Pages

درباره حاشیه‌ای پررنگ‌تر از متن ۲۹ آذر و دوقطبی‌های بی‌خودی که می‌سازیم

عادل و صداوسیما در چالش عقلانیت



نتیجه جلوگیری از دسترسی آزاد به متن پایان‌نامه‌ها

سه-هیج به نفع پایان‌نامه‌نویسان میدان انقلاب

۶

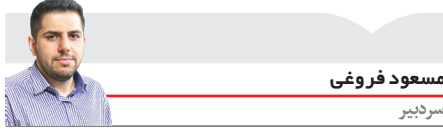
تحریم دارو؛ ابزار تاریخی آدم‌کشی آمریکایی‌ها

۷

واکسن ایرانی از ویروس انگلیسی آسیب نمی‌بیند

۱۶

سر مقاله



مسعود فرافی

سردبیر

هیجان روزهای نزدیک به ۲۹ آذر فروکش کرده و حالا احتمالاً راحت‌تری می‌توان درباره یک اتفاق ویژه در فینال بازی‌های لیگ قهرمانان آسیا ۲۰۲۰ حرف زد. شاید روزی که علی شجاعی، وینگر چپ‌پای پرسپولیس آخرین پنالتی بازی با النصر عربستان را وارد دروازه کرد و فینالیست شدن سرخ‌ها در بازی دوم‌ه‌نیم‌بعد قطعی شد. کسی باور نمی‌کرد یک حاشیه غیرفوتبالی این گونه بازی نهایی سپاه‌بیندازد. بازی‌های آسیا در سال رو به انتهای میلادی برای باشگاه‌های ایرانی انواع و اقسام اتفاقات ویژه را داشت، حتی قبل از برگزاری بازی‌های پلی‌آف دو نماینده ایران، ما تا آستانه کناره‌گیری کامل از بازی‌ها رفتیم ولی دست‌آخر با تمام ماجراهای تاحدی دراماتیک سال ۲۰۲۰ نامایند غرب آسیا در فینال احتمالاً در خلاف میل کنفدراسیون فوتبال آسیا یک تیم ایرانی شد.

اما داستان ما در یادداشت از انتهای ماجرا شروع می‌شود، تقریباً ۴۸ ساعت قبل از بازی فینال خیر سفر عادل فردوسی‌پور به دوحه برای گزارش بازی نهایی آن‌هم از طریق صفحه رسمی AFC (صفحه فارسی AFC) مثل وقتی که فکر می‌کنی داستان فیلم در دقایق پایانی نکته جدیدی برای حیرت مخاطب ندارد و بیک بار هورق برمی‌گردد، حاشیه‌ای بزرگ‌تر از متن فینال در ایران ایجاد کرد. فردوسی‌پور از اسفند سال ۹۷ دیگر هیچ فوتبالی را گزارش نکرده و برنامه ۹۰+ او آنتن شبکه سوم سیما کنار رفته بود. این خبر همان طور که قابل پیش‌بینی بود جمعه قبل فینال را کاملاً تحت‌تاثیر قرار داد، قبل از این خبر گزارشی از صداوسیما در حالی که به دوحه رفته بود با ممانعت AFC نتوانست حتی از تمرین پرسپولیس گزارشی به تهران ارسال کند و فقط از هتل محل استقرار این تیم تصاویری ارسال کرد. AFC با استناد به تحریم‌های آمریکا علیه ایران امتیاز پخش بازی‌ها را هم به ایران نداده بود.

به‌رحال شنبه موعود رسید و به‌هر ترتیبی برای اولین بار دونفر از بهترین گزارشگرهای فوتبال در ایران هم‌زمان یک بازی را گزارش می‌کردند. عادل فردوسی‌پور در دوحه برای AFC و محمدرضا احمدی در تهران برای اسفند سفر فردوسی‌پور به دوحه با بازگشت او به تهران تمام نمی‌شود و ما حالا باید به این فکر کنیم چاره اینجا رسیدیم؟

برای پاسخ به این سؤال در روزهای اخیر دو گروه پاسخ‌هایی دادند؛ یک گروه صداوسیما را بازنده بزرگ ۲۹ آذر معرفی کردند و برای عادل فردوسی‌پور هورا کشیدند. احتمالاً دیده‌اید ماجرای که در حال صحبت درباره آن هستیم محدود به سه‌سینه‌چاکان فوتبال نبود، چه‌بسا برای این دسته از آدم‌ها نتیجه بازی مهم‌تر از این حاشیه‌ها بود و چهره‌های سیاسی مختلفی که منتقد کلاسیک تلویزیون هستند از فرصت اخیر استفاده کردند و حرف‌های خودشان را زدند. طبیعی است در این شرایط فرصت مناسبی برای مهاجمان شش دانگ سیاسی پیش می‌آید. گروه دوم اما روی همکاری فردوسی‌پور با AFC زوم کردند و دست‌آخر به دلیل اینک تبلیغات گسترده طرف‌مقابل برای این میلیونی شدن مخاطبان هم‌زمان گزارش عادل عملی نشد او را بازنده نامیدند. اما به‌نظر ما موضوع کمی پیچیده‌تر و ابعد ماجرا از این دو حرف فراتر است. سعی می‌کنم در

قالب چند استدلال هم این پیچیدگی را توضیح دهم و هم صورت‌بندی جدیدی ارائه کنم، هرچند می‌دانم لیدرهای هر دو جریان مثل لیدر سرخالی‌ها بیشتر از حقیقت روی علاقه خودشان تعصب دارند اما نقطه امید ما مثل همیشه وجدان بیدار کسانی است که از آدم‌ها بت نمی‌سازند و قلب‌شان برای منافع عمومی می‌تپد.

صداوسیما و ماجرای مدیریت آدم‌ها

نکته مهمی که همین ابتدای این بند باید بر آن تأکید کنم این است که چالش صداوسیما در مدیریت آدم‌ها مشهور و محدود به فردوسی‌پور نیست، نمونه‌های زیادی از این مشکل از قدیم وجود داشته و هنوز هم هست. اما به‌طور مشخص در این نوشته قصد ما مروری است بر نمونه عادل فردوسی‌پور، هرچند نوشتن درباره جزئیات رابطه عادل و صداوسیما کتابی ظور می‌خواهد و «هنر شفاف‌گفتن»! ما با شفاف‌گفتن مشکلی نداریم ولی چون اینجا مقصود کتاب نوشتن نیست تنها بخشی از ماجرا را تعریف می‌کنیم که صداوسیما اساساً هیچ راهبردی برای تعامل با چهره‌هایی که خودش می‌سازد، ندارد. فردوسی‌پور یک نمونه تمام‌عیار از این ادعا است. یکی از مدیران قدیمی تلویزیون در جلسهای در اوایل دهه ۹۰ در پاسخ به انتقاد ما درباره‌مواجهه اشتباهش با برنامه ۹۰ می‌گفت رئیس صداوسیما وقت مقصر اصلی بود. توضیح خواستیم، آقای مدیر که شهرت دفاع از عادل را دارد گفت بارها من برای مدیریت او برنامه‌ریزی کردم اما رئیس وقت تلویزیون با ورود نایجا و امتیازهای بدموق کار را خراب می‌کرد. صحت این ادعا با آقای مدیر ولی همین دفاع او از خودش را دیگر روایت‌های جزئی که نمی‌شود اینجا نوشت، تابلوی نتایج بازی است: صد‌هیج به نفع چهره‌ها! جناب مدیر تصور می‌کرد اگر تعداد سه‌رقمی تذکره‌ها به فردوسی‌پور را بگوید نشانه مدیریت کردن اوست! سال‌ها آزادی تقریباً مطلق ۹۰ هم‌زمان با سخت‌گیری‌ها به دیگر برنامه‌سازان منطق کج مدیران تلویزیون بود. فردوسی‌پور اما یک استثنا نبود، تلویزیون هیچ‌گاه نتوانست میان شهرت برنامه‌ساز و عمل به چارچوب‌های منطقی رسانه تعادل ایجاد کند. مثل زمانی که پول بیشتری به فلان چهره داد تا او را حفظ کند ولی در واقع او را متوقع کرد.

اما در ماجرای فردوسی‌پور باید به سال ۹۷ برگردیم، سالی که دوبار تیم‌ملی ایران تا آستانه موفقیت‌های تاریخی در جام جهانی روسیه و جام ملت‌های آسیا در امارات رفت، تب فوتبال در ایران به بالاترین نقطه رسید. در این شرایط برنامه تلویزیونی ۹۰ به تهیه‌کنندگی عادل فردوسی‌پور بیشتر از همیشه درگیر با مخاطب شده بود. دوبار حضور تیم‌ملی در تورنمنت‌های حساس اولین صعود پرسپولیس به فینال آسیا، چالش سنگین سرمربی تیم‌ملی در آن زمان با سرمربی پرسپولیس و کلی اتفاقات مهم دیگر، سال ۹۷ را حساسی فوتبال کرد. شرایط اقتصادی هم به‌اندازه کافی اعصاب خراب‌کن بود و فوتبال پناهگاه مناسبی برای افکار عمومی حساب می‌شد. فردوسی‌پور به‌عنوان یکی از چهره‌های مشهور فوتبالی همیشه میزبان حاشیه‌ها و شاید خالق آنها بود ولی ۹۷ آنقدر سال عجیبی شده بود که این بار فردوسی‌پور خودش سوزه حاشیه‌ها شد. چالش پیچیده صداوسیما با کسی که همین تلویزیون او را به افکار عمومی معرفی کرده بود در سال‌های قبل از این هم وجود داشت. چالش‌هایی که بعضی وقت‌ها مثل یک بزله ۴ ریشتری ذهن‌ها را احساس می‌کرد، مثل روزی که ایران با اسپانیا بازی داشت و عادل ساعت‌ها قهر کرد و جلوی دوربین نامداد! چون کارلوس پوپول بازیکن اسبق تیم‌ملی اسپانیا با کمک اسپانسرهایی به‌تهران آمده بود تا میهمان

برنامه عادل باشد. صداوسیما که در پاییز سال ۹۶ به‌خاطر حضور لوییس فیگو مشهور در برنامه ویژه قرعه‌کشی جام جهانی یاد رفت، رقمی بزرگ با انتقادهای زیادی مواجه شده بود این بار جلوی حضور پوپول در برنامه را گرفت. چند شش‌بعد کلیبی در میانه برنامه ویژه جام جهانی پخش شد و مدیر برنامه ایرانی پوپول شایعه علت ممانعت تلویزیون موی بلند او یا تتوی دستش بوده را تکذیب کرد! وقتی دوربین به استودیوی پخش برگشت عادل گفت این تصاویر ربطی به برنامه او ندارد! بله! سال ۹۷ کلا سال عجیبی بود.

از این مثال‌ها زیاد است، مثال‌هایی که تکه‌های پازل مواجهه فردوسی‌پور و تلویزیون را نشان می‌دهد، ما در اینجا کاری با مثال‌ها نداریم ولی آنچه در طول ۲۰ سال برنامه ۹۰ در صداوسیما رخ داد، نتیجه‌اش ساختن «رستم»ی بود که مدیران تلویزیون می‌ترسیدند او را صدا کنند. تلویزیون خودش عادل را به‌معرفی کرد و بدون تعامل درست دوطرفه او به نقطه‌ای رسید که در سال ۹۷ صحنه افکار عمومی به تقابل مستقیم او و مدیران شبکه سه تبدیل شد. حذف ۹۰ از آنتن شبکه ۳ قابل پیش‌بینی بود اما مشکل این نیست، حتی مدافعان تمام‌عیار عادل هم بعضی کثیر‌های او در سال‌های منتهی به ۹۷ را تایید نمی‌کردند ولی کنار گذاشتن ۹۰ از قاب تلویزیون نباید به کنار گذاشتن فردوسی‌پور از گزارشگری فوتبال منجر می‌شد. مدیران تلویزیون چندبار گفته‌اند از عادل برای گزارش فوتبال دعوت کرده‌اند و او خودش قبول نکرده است. عادل تاکنون جواب صریحی به این ابهام نداده که چگونه هم‌زمان با قهر از گزارشگری در تلویزیون در شبکه ورزش که گویا برادر کوچک‌شیکه ۳ هم است، برنامه می‌سازد. در مواجهه مستقیم با خیلی از آدم‌ها وقتی همین نکته را می‌گویم که عادل در ۲۰ ماه اخیر برنامه فوتبال ۱۲۰ را در تلویزیون ساخته تعجب می‌کنند و سؤال دارند که چرا او فوتبال گزارش نمی‌کند؟

کنار گذاشتن یک برنامه از تلویزیون عجیب نیست اما اینکه چرا در طول ۲۰ ماه اخیر تغییر عقاقل‌نه‌ای برای حضور فردوسی‌پور در گزارش‌های فوتبال انجام نشده، سؤال جدی مخاطبان از مدیران صداوسیما است. فردوسی‌پور کارمند رسمی تلویزیون است و طبیعی است مخاطبی که سال‌ها به صدای او عادت کرده، این مطالبه را داشته باشد. شاید برخی مدیران تلویزیون فکر می‌کردند با گذشت زمان فردوسی‌پور از ذهن مخاطب بیرون می‌رود ولی ماجرای ۲۹ آذر نشان داد این طور نیست. جامعه ما مستعد ساختن دوقطبی‌های بزرگ است، دوقطبی‌هایی که هیچ نسیبیتی به چالش‌های واقعی ندارند اما رسانه‌ها و افکار عمومی را درگیر خود می‌کنند. تلویزیون ۲۰ سال یک برنامه‌ساز را مدیریت نکرد و بعد هم در جریان عمل جراحی به‌جای حذف یک اشکال، مریض را به کما فرستاد! تلویزیون می‌توانست ضمن تغییر در آنتن مانع تشدید این دوقطبی شود.

فردوسی‌پور و زیر پا گذاشتن حرف‌های عادل

ماجرای اخیر اما عادل فردوسی‌پور را با چالشی بزرگ مواجه کرد، او قبل از هر چیزی باید به دلیل پیشینه‌اش گزارشگری فوتبال از سوی شبکه ۳ پاسخ دهد. چون اگر آن جملات احساسی ابتدای گزارش بازی فینال واقعا از عجان قان عادل بیرون آمده باشد باید به احترام همان مخاطبان، فوتبال را در تلویزیون گزارش می‌کرد، شاید گفته شود به‌خاطر حذف ۹۰ حق داشت جواب پیشینه‌اش تلویزیون را ندهد اما این پاسخ هم قانع‌کننده نیست. چرا؟ چون او در طول این مدت تهیه‌کننده برنامه دیگری در همین تلویزیون بوده و جالب‌تر اینکه کارمند رسمی صداوسیما هم

است. یعنی اگر به‌قهر بود چرا برنامه دیگری توسط عادل ساخته شد؟ بدتر اینکه عادل بعد از ۲۰ ماه غیبت در گزارشگری فوتبال در سال تحریم ایران توسط AFC دست‌همکاری به‌آنها داد. دقت کنید: تیم‌های ایرانی ابتدا توسط AFC به‌پهانه ماجرای هواپیمای اوکراینی در دی‌ماه‌سال ۹۸ تا آستانه حذف از بازی‌ها رفتند، تدبیر باشگاه‌های ایرانی مانع حذف از بازی‌ها شد، بعد میزبانی از ما گرفته شد، بعد ادامه بازی‌ها در قطر با پهانه خاری‌العاده AFC به تلویزیون ایران فروخته نشد. AFC بعد از این تنها چند ساعت به بازی نیمه‌نهایی یادش افتاد! آل کثیر توهین نژادپرستانه کرده است و آن شوک بزرگ به پرسپولیس وارد شد. شاید برخی بگویند AFC قانون را اجرا کرد ولی حداقل ما شبیه عادل خان سخت قانع می‌شویم که چطور تکرار مکرر شادی گل معروف مهاجم پرسپولیس را این‌کاری جدید برای توهین به رقیب از یک فرض کرد؟ برای فهمیدن این‌ک AFC با فوتبال ما بد تا کجا نیاز به هوش زیادی نیست، از آن طرف عادل فردوسی‌پور که خودش را فرزند رسانه ملی می‌داند چطور با کسی که پدر را تحریم و دشمن معرفی کرده است، دست دوستی داد؟

عادل از مدیران تلویزیون شاک است؟ بله! اما سفر به دوحه در حالی که همکار سازمانی او در همان شهر به جرم خبرنگاری برای صداوسیما محروم از فینال بود با معیارهایی که فردوسی‌پور سال‌ها در ۹۰ تبلیغ می‌کرد، در تناقض است. دلش برای مخاطب ایرانی تنگ شده بود؟ بله! برای کسی مثل عادل که در سینما با موبایل فوتبال می‌بیند طبیعی است. اما کاش برای رفع این دل‌تنگی تریبون AFC در روزگار دشمنی با پدر (به‌روایت عادل) انتخاب نمی‌شد.

عادل حتی به‌آنچه‌می‌خواست نرسید، دوستان او در رسانه‌های رنگارنگ داخل و خارج از ۳ تا ۲ میلیون مخاطب هم‌زمان موقع گزارش او خبر می‌دادند، ناآشنایی با رسانه و قدرت و تاثیر آن سبب شده است تا برخی راه دور روند و فقط آیبی این را باز گذاشتند، هم‌زمان سنگین‌ترین تبلیغات ممکن برای گزارشگری او راه افتاد و وزیر ارتباطات در یک موضع رسمی گفت مجوریم ترافیک اینترنت را در اختیار سرور خارجی یعنی اینستاگرام قرار دهیم ولی نتیجه پیروزی نبود، عادل کمتر از سایت تلویزیون مخاطب جذب کرد، در حالی که ۲۰ ماه صدای گزارشگری یک فوتبال کامل او شنیده‌بودیم. حتما عادل خان خودش می‌داند اعداد روی تابلوی نتایج مهم است.

فردوسی‌پور متأسفانه بیشتر از هوش خودش به مشورت‌هایی گوش داده است که مثل بعضی مشورت‌ها به مدیران تلویزیون پای در واقعیت ندارد، کاش این دو گروه مشورت‌دهنده تغییر کنند تا کسی مثل عادل در حساس‌ترین روز فوتبال در سال این گونه خودش را مصرف نکند. کاش متوجه می‌شدیم آن ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفری که صفحه AFC فارسی را فالو کردند عدد کمی نیست تا به این ماجرای اعتنایی کنیم. کاش عادل متوجه می‌شد برای ۵۰۰ هزار مخاطب هم‌زمان نباید تا دوحه می‌رفت و تحریم علیه ایران را معنا از تر می‌کرد. کاش متوجه بشویم رقص و پایکوبی بی‌پی‌سی و ایران اینترنت‌نشال در این یک هفته با آهنگ موزونی است که ما آن را نواختیم. کاش عادل آنتن تلویزیون و میلیون‌ها مخاطب ایرانی را روگان نمی‌گرفت.

حالا در موقعیت کنونی، صداوسیما و عادل فردوسی‌پور با توبه‌ای از اشتباهات گذشته باید به مخاطب پاسخگو باشند، اگر تلویزیون به عادل برنامه دوساعته پخش زنده می‌دهد آن هم به‌عنوان تهیه‌کننده، پس نباید مشکلی برای گزارشگری او وجود داشته باشد و از طرف دیگر عادل هم اگر هنوز خودش را فرزند رسانه ملی می‌داند باید به پایان این دوقطبی بی‌پای حاصل کمک کند، مردم شاهد این چالش عقلانی هستند.

باختیم، بدهم باختیم

محمدامین باقری

پژوهشگر هسته بازاریابی سیاسی مرکز رشد دانشگاه امام‌صادق

فوتبال به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، عصر شنبه فرصتی را برایساختن ایجاد کرده بود تا حتی برای چند ساعت، از سختی و تلخی این روزها فاصله بگیریم و لختی فارغ از گرانی و کرونا شاد باشیم. با این همه، تلخی آن شب بیشتر از تلخی یک شکست و از دست رفتن جام بود. درحقیقت، باخت ما محدود به عرصه فوتبال و یک تیم باشگاهی خاص نشد، چه اینکه اتفاقات منتهی به این مسابقه، باخت‌های دیگری را نیز به ما تحمیل کرد؛ باخت‌هایی که ممکن بود در سایه پیروزی در فینال توجه کمتری به آنها داشته باشیم.

شکست دوم، حاصل تنگ‌نظری و بی‌تدبیری مسئولان رسانه ملی بود؛ جایی که با عملکرد چندساله اخیر خود، دایره خودی را در مدارهای خاص مضیق خود تقویت کرده و غیرخودشان را از این عرصه بیرون کرده‌اند. این رویه برای اولین بار مرجعیت همیشگی سیما در پخش فوتبال زنده ملی را از دست داد. به‌نظر می‌رسد علی‌رغم انتقاداتی که به عملکرد عادل فردوسی‌پور و برنامه‌نود، به‌ویژه در سال‌های او قرار بود، برخورد حذفی با کسی که خود را به‌درستی فرزند رسانه ملی می‌داند، صحیح نبوده باشد. موبد این مطلب، منش و روش عادل در دو سال اخیر است که همواره تلاش کرده با پرهیز از ورود به حاشیه، مسیر بازگشتش به سیما مسدود نشود. ناآشنایی با رسانه و قدرت و تاثیر آن سبب شده است تا برخی مدیران رسانه ملی، تصویری از نتیجه و تبعات تصمیمات خود نداشته باشند. چه اینکه مدیر محترم شبکه سوم سیما چندی پیش گفته بود ما رسانه نداریم و عادل رسانه دارد! حکایت آن ارباب‌زاده‌ای است که بر اسب تیزروسوار بود و حسرت قاطر گزارش را می‌خورد. شکست سوم، از آن عادل فردوسی‌پور بود. آنچه عادل را محبوب و ملم آشکار این نهاد در محرومیت عیسی آل‌مجرى گری، که زیرکی، آزادگی و شجاعت او بود. بر کسی پوشیده نیست که این خصیصه عادل و برنامه‌نود، بسیاری از مشکلات پنهان فوتبال را به چشم آورده و زمینه را برای حل آنها فراهم ساخت. ازسوی دیگر، فردوسی‌پور همواره چه در گزارش‌ها و چه در برنامه‌نود با به‌تصویر کشیدن حق‌خوری کشورهای عربی متنفذ در ای‌اف‌سی و ایزاز آنجرازان، از ضعف و بی‌اثری فدراسیون فوتبال در قبال ای‌اف‌سی انتقاد می‌کرد. با این همه، دعوت صفحه فارسی ای‌اف‌سی از او برای گزارشگری فینال لیگ قهرمانان آسیا، فرصت مناسبی را برای هم‌آوردی با رسانه ملی پیش‌روی او قرار داد. صحبت‌های ابتدایی او در گزارش فینال، موبد این مطلب است، درحالی که پیشنهادهای وسوسه‌انگیز مالی شبکه‌های معاند و ضدانقلاب در این دوسال اراده او را است هم نکرده بود، رویای دیده‌شدن، ر‌رکوردشکنی و هم‌آوردی با شبکه سه، به‌گونه‌ای عادل را با خود همراه کرد که نه‌تنها جغای ای‌اف‌سی در سلب میزبانی از تیم‌های ایرانی در چندسال اخیر را یاد برد، که ظلم آشکار این نهاد در محرومیت عیسی آل‌مجرى گری، که زیرکی، پیروزی اینستاگرام.

ادامه در صفحه ۲